

نکاتی که خانواده‌ها در تربیت دختر بچه‌ها و پسر بچه‌ها باید در نظر داشته باشند

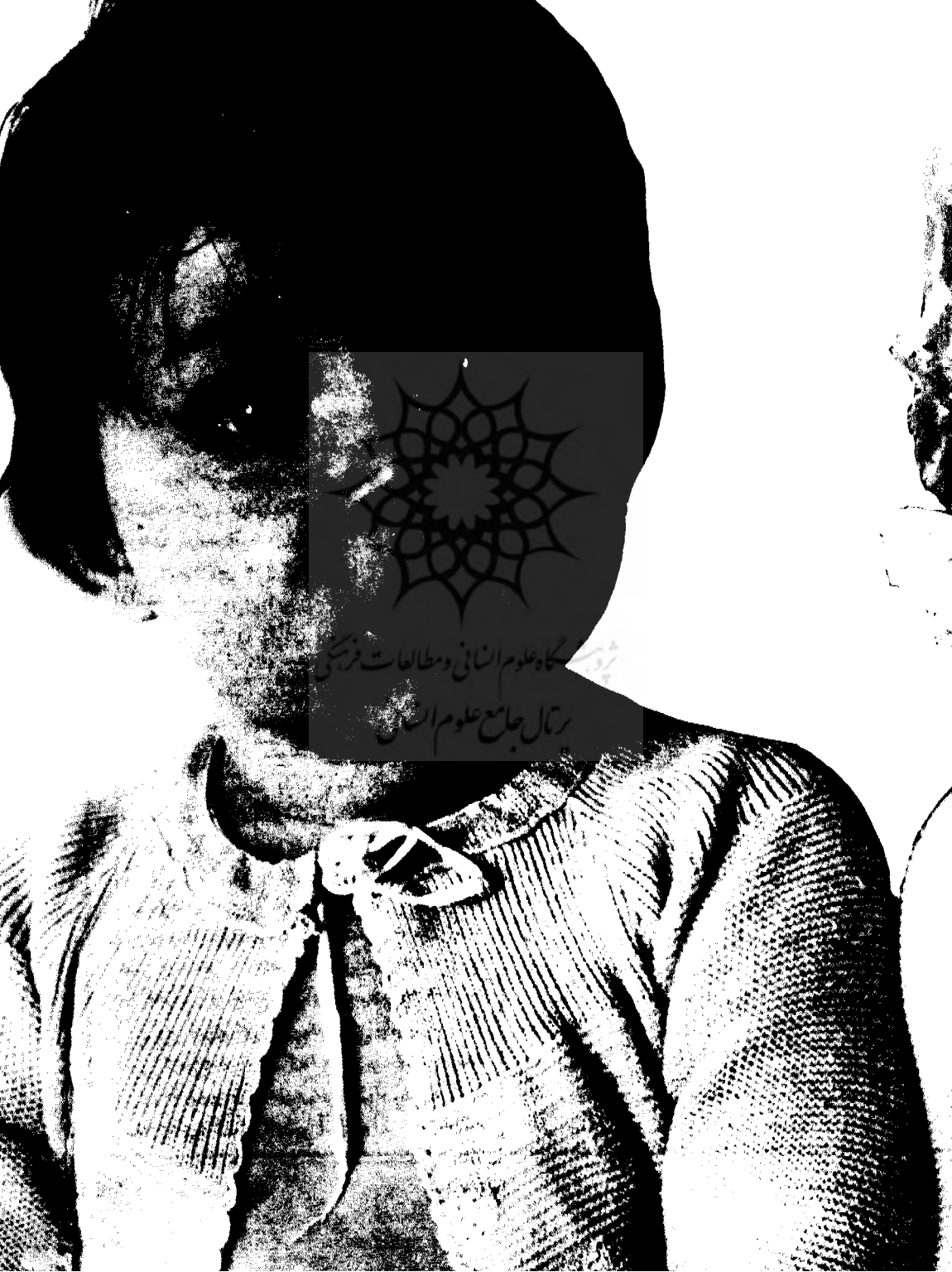
آیا تربیت

دختر و پسر باید

متفاوت باشد؟

پسر بچه‌ها و دختر بچه‌ها را چگونه باید برای زندگی آینده آماده کرد؟ آیا روش تربیت دختر بچه‌ها با پسر بچه‌ها باید متفاوت باشد؟ این سؤالاتی است که باسانی نمی‌تواند آن پاسخ داد زیرا درباره جزئیات تربیت و پرورش دخترها و پسرها میان دانشمندان اختلاف نظر وجود دارد و در این مقاله سعی شده است، برآوردی که در آن دانشمندان اتفاق نظر دارند، برای پدران و مادران تشریح

مگانه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهش‌های علمی و پژوهشی



کتابخانه علم و مباحثات فرهنگی
مجلس جامع علوم اسلامی

گردد تا با توجه باین نکات بتوانند در چگونگی پرورش دختر با پسر خود موفق شوند .

شناسائی جنسی

طبق نظر پروفیسور « مائی » روان شناس معروف امریکائی هرانسانی از نظر جنسیت کمپلکس و یا اختلاطی ارزش عامل بقرار زیرست :

۱ - عامل ارثی و « کروموزوم » هائی که وارد نسوج بدن اوشده است .

۲ - عدد جنسی

۳ - اعضای جنسی درونی (رحم یا پروستات)

۴ - اعضای جنسی خارجی

۵ - هرمون های جنسی مترشحه (مقدار و نسبت های هرمون های مردانه و زنانه که در بدن تولید می شود) .

۶ - جنس ظاهری که نوزاد در موقع تولد داشته است .

۷ - سکس روانی (بازتاب های روانی

که ارتباط با نیروی جنسی دارد)

از این هفت عامل ، آخرین یعنی سکس روانی از همه مهتر است ولی این عامل هنگامیکه نوزاد متولد می شود بطور طبیعی در وجود او نیست بلکه باید بتدریج در وی بوجود آمده و رشد و تکامل یابد ، این رشد

و تکامل در همه بچه ها در نخستین سال های زندگی یکسان و مشابه است . معمولا در کشورهای غربی اروپا ، کودکانی که به سن دو سال و نیم میرسند جنس خود را که پسر و یا دختر هستند تشخیص میدهند و وقتی از آنها سؤال کنند می توانند جواب بدهند .

در سن چهار و یا پنج سالگی آنها نه فقط بطور کامل میدانند که پسر یا دختر هستند بلکه متوجه این موضوع هم میشوند که جنس آنها تغییر ناپذیر است و اگر پسر هستند

نمی توانند دختر شوند و اگر دختر هستند پسر نمی توانند بشوند و آنها خوب میفهمند که چه بخواهند و چه نخواهند ، در آینده زن یا مرد خواهند شد .

این شناسائی و اطلاع در نتیجه یک تکامل روحی که در درون طفل صورت میگیرد بوجود میآید و آزمایشات روان شناسی که شده است نشان داده که سن چهار یا پنج سالگی مخصوصاً در تکامل این شناسائی و اطلاع اهمیت زیاد دارد و آنچه که کودک در این سنین با آن روبرو میشود از نظر تکامل نیروی جنسی او حائز اهمیت زیاد است و وقایع بعدی و نقصان ها و کمبود هائی را که در این سنین پیش میآید جبران نمیکند .

کودکان و اطفالی که دو جنسی هستند یعنی بایک عمل جراحی ممکن است تغییر جنسیت دهند در سن چهار یا پنج سالگی اگر این کار را انجام دهند ، از نظر روحی و روانی هیچ لطمه ای نمی بینند و یسانی برای آنها قابل پذیرش و قبول است که اگر در بدو تولد پسر بوده اند ، حالا دختر شوند و یا برعکس ولی از این سن که بگذرد آنها از نظر شناسائی جنس خود ثبات نظری پیدا می کنند و خیلی برایشان مشکل و دشوار است که تغییر جنسیت را بپذیرند .

نکته قابل توجه دیگر در اینجا اینست که بیشتر کودکان ، خود بخود و بدون آنکه آموزش خاصی از طرف پدر و مادر و یا کسان دیگر به بینند شناسائی جنسی پیدا می کنند و اطلاع و شناسائی این کودکان از کودکانی که آموزش دیده و برای آنها توضیحاتی داده اند کمتر نیست .

دورنمای آینده

بچه ها در سنین چهار یا پنج سالگی بهمین قاع هستند که دختر یا پسر هستند و در مورد

آینده جنسی خود انتظار وامه‌دی ندارند. ماد بین سنین هفت تا یازده سالگی بسیاری از دختران ناگهان حس میکنند که زندگی پسرها جالب تر از دخترها بوده و تحرك زیادتری دارد و دلشان میخواهد که پسر می‌بودند اما عکس این قضیه خیلی کم ممکن است اتفاق افتد یعنی پسرهایی پیدا شوند که زندگی دخترها را جالب‌تر دانسته و آرزو کنند که ای کاش دختر می‌بودند معمولاً در این سن بیش از هر چیز بازی پسرها و نیروی بدنی زیادتر آنها توجه دختران را بخود جلب می‌کند ، حال دخترانی که آرزو میکنند ای کاش پسر بودند معلوم نیست آیا این آرزو و تمایلشان بخاطر آنست احساس میکنند جامعه برای مردان اهمیت بیشتری قائل است و یا آنکه بطور طبیعی و ناخودآگاه این احساس را دارند؟ این سئوالی است که هلم روان شناسی هنوز جوابی برای آن پیدا نکرده است .

بهر حال کلیه کودکان اعم از دختر یا پسر باید حداقل در سن بلوغ ، نوع جنس خود را پذیرفته و بقول روان شناسان در قالب اصلی خود فرو بروند . و موفقیت یا عدم موفقیت آنها در این راه بستگی بروش تربیتی پدران و مادران آنها دارد .

وظیفه مهم مادران

از نظر علمی این یک اصل پذیرفته شده است که کودکان در سنین یک تا سه سالگی احتیاج به یک رابطه خیلی نزدیک با مادر (یا شخص دیگری که جانشین مادر آنها باشد) دارند تا آنکه بتوانند از نظر روحی تکامل پیدا کنند ولی این رابطه نزدیک بطور طبیعی در یک سن معین گسسته می‌شود . این یک قانون طبیعی است چنانکه در حیوانات هم وضع بهمین ترتیب است و محض آنکه بچه

توضیح بجهت سئوال تربیتی

اینک در پایان مقاله به چند سئوال که غالباً پدران و مادران از روان شناسان میکنند از قول دکتر «ولفکانگ شمیدت باوئر» روان شناس آلمانی پاسخ می‌گوئیم :

سئوال - آیا با پسران باید خشن تر و سخت تر از دختران رفتار کرد ؟

جواب - اگر منظور این است که در تربیت همه پسرها باید متوسل به خشونت شد جواب این سئول منفی است ، مادران و پدران در تربیت بچه‌های خود آنقدر که به شخصیت و احتیاجات شخصی کودک خود توجه می‌کنند نباید به جنس او که پسر یا دختر است توجه کنند ، چه بسیار دخترانی که در تربیت آنها باید خشونت اختیار کرد و چه بسیار پسرانی که احتیاج به ملاحظت و مهربانی زیاد دارند .

سئوال - لباس پسرانه پوشیدن دختران زیاد دیده شده است ، چه بسیار دخترانی که لباس‌های چین مردانه می‌پوشند ، ولی این احساس و کار پسرهارا که لباس دخترانه می‌پوشند و خود را مانند دخترها آرایش می‌کنند چگونه می‌توان تعبیر کرد ؟

جواب - این موضوع تاجائی که از حدود بازی دخترها و پسرها خارج نشود زیاد مهم و قابل مطالعه نیست ، در مواقع بازی زیاد دیده شده است که



حیوانات توانستند، استقلال پیدا کرده و باصطلاح روی پای خود بایستند از مادرشان جدا میشوند، در انسان نیز این مرحله حداکثر در سن ۳/۵ سال است که بچه میتواند حرکت کند و درحقیقت از بعضی لحاظ استقلال پیدا نماید.

در سن بلوغ، کودکان می‌توانند جنس خود را بپذیرند که در سنین ۳ تا سه سال ونیم مرحله‌ای را که در بالا بان اشاره شد بخوبی گذرانده باشند و این امر در مورد دختران و پسران هر دو صدق می‌کند، حتی در مورد پسران کمی بیشتر از دختران صادق است.

بنابراین توصیه‌ای که در این مورد به مادران می‌شود کرد اینست که در سن ۳ تا سه سال ونیم به این پدیده طبیعی یعنی تغییر رابطه خود با فرزندشان تن در دهند، آنها باید بدانند که وقتی کودکان در سنین چهار یا پنج سالگی متوجه پدر خود می‌شوند و با او رابطه نزدیکی پیدا می‌کنند بمنزله آن نیست که دیگر مادر خود را دوست ندارند بلکه این یک سنت طبیعی است که انجام می‌شود. البته تردیدی نیست که بطور طبیعی خود مادران متوجه این امر مهم و تربیتی می‌شوند و احتیاجی نیست که زهاد در این مورد راهنمایی شوند.

اصل مساوات در خانواده

خیلی از استعداد های اطفال را با آموزش میتوان تقویت کرد، مثلا هوش، تمرکز فکر و خلاقیت بچه‌ها را با آموزش صحیح می‌توان زیاد کرد، در مورد تکامل جنسی و آمادگی برای آینده آموزش و تمرین و تلقینات البته زیاد نتیجه بخش نیست ولی با همه این احوال، کودکان می‌توانند از زندگی خانوادگی و طرز رفتار پدر و مادر بایکدیگر و نقشی که هر یک از آنها بازی میکنند درس و آموزشی بگیرند

در خانواده موقعی که یک زن باشوهر، دیگری را تحت فشار قرار داده و یا زورگوئی کند یا آنکه احترام و اهمیتی برای وی قائل نباشد آنوقت بچه‌ها با مشاهده این جریان، وضع طربی را که تحت فشار قرار گرفته مساعد و خوب نمی‌بینند و اگر خودشان همجنس او باشند از جنس خود، زن و یا مرد بودنشان متفتر و ناراضی می‌شوند، آمادگی برای زندگی آینده را از دست میدهند، این بچه‌ها در زندگی آینده غالباً طرز رفتار پدر و مادر خود را مدل قرار داده و بهمین ترتیب به همسر آینده خود زورگوئی کرده و با او رفتار می‌نمایند. روان‌شناس معروف امریکائی «هترینگتون» از ۲۰ سال قبل به بررسی و مطالعه در خانواده‌هایی پرداخت که در آنها زن با شوهر همسر خود را تحت فشار قرار میدادند و مشاهده کرد که کودکان این خانواده‌ها وقتی بزرگ شده و عسائله‌ای تشکیل دادند آنها هم دچار مشکلات و دشواریهایی نظیر پدر و مادر خود شدند یعنی بهمان ترتیب همسر خود را تحت فشار قرار میدادند.

بنابراین بعقیده «تئودور لیدز» دانشمند روانشناس انگلیسی، خانواده‌ای از نظر تربیت و تکامل سالم فرزندان، ایده‌آل است که در آن اصل مساوات و تعادل کامل میان زن و شوهر برقرار بوده باشد، خانواده‌ای که در آن زن و شوهر یکدیگر را یاری و تکمیل میکنند و هیچیک از آنها با حرف و رفتار خود در صدد برنمی‌آیند که بدیگری زورگوئی کرده و او را تحت نفوذ درآورد. البته برقراری این اصل مساوات و عدالت در خانواده کار بسیار دشوار و مشکلی است، مطلبی است که به‌آسانی میتوان آنرا بر زبان آورد ولی عملی کردنش آسان نیست، با اینحال پدر و مادرها باید سعی کنند که این اصل مساوات را در خانواده

پاسخ به چند سؤال تربیتی

پسرها و دخترها میخواهند لباس یکدیگر را بپوشند ولی وقتی از حدود بازی خارج شده و پسری بطور جدی همیشه تمایل پیدا کرد لباس دخترانه پوشیده و خود را مانند آنها آرایش کند آنوقت موضوع تا حدی بغرنج و قابل تأمل می شود . ممکن است ریشه این انگیزه را در جزئیات روانی کودکان و یانوجوانان جستجو کرد و اگر پسر بچه یا پسر جوانی واقعاً - نه بخاطر مد - علاقه زیادی به لباس دخترانه و آرایش زنانه داشته باشد ، بهتر است که او را نزد روان پزشک برد تا مورد روانکاری و معالجه واقع شود ، در پاره ای از این موارد ملاحظه شده است که علت و انگیزه و تمایل پسرها به پوشیدن لباس دختران این بوده است که پدر و مادر آنها خوششان میآید است که پسر خود را شبیه دختران آرایش دهند . شاید بخاطر آنکه دلشان میخواسته است دختر داشته باشند - این تمایل ، پسرها را از حقیقت جنس خود منحرف کرده و آنها را علاقمند کرده است در قالب جنس مخالف خود فرو برونند و بسیاری از موارد هم علت این نبوده است و انگیزه های دیگری موجب آنها شده است که البته با کشف آن انگیزه ها توانسته اند پسرها را از نظر روحی درمان کنند و آنها را متوجه جنس خود کنند .



خود برقرار کنند ، این کار نه فقط از نظر سعادت آینده کودک آن اهمیت دارد بلکه در خوشبختی و سعادت آنها هم فوق العاده مؤثر است .

از آنچه که تاکنون در اینجا ذکر شد این نتیجه را میتوان گرفت که رفتار پدر و مادر بطور کلی از نظر تکامل جنسی و سعادت خانوادگی فرزندان اثر زیادی دارد . حالا سؤال دیگری که در اینجا پیش میآید اینست که چه صفات و طرز رفتاری اختصاص به زنان دارد و بهمین جهت باید سعی کرد که در سنین اولیه تولد در دختر بچه ها آنها را بوجود آورده و پرورش داد ؟ و چه صفات و طرز رفتاری مردانه است و باید در پرورش پسر بچه ها بآنها توجه کرد ؟

از جمله صفات و مشخصات مردانگی از قرنها قبل در جوامع اروپائی و بطور کلی جوامع دیگر این صفات را می توان ذکر کرد: نیروی اراده و کار ، جرات و شهامت ، کنترل کردن احساسات ، رقابت با اشخاص بر سر موفقیت های زندگی ، برتری و تفوق جنس نسبت بزنان . از صفات و مشخصات مخصوص زنان می توان از حساسیت و نشان دادن احساسات ، وابستگی و عدم استقلال ، مهربانی و همدرد بودن ، علاقه زیاد به زیبایی ظاهر ، نام برد . البته قسمت عمده این صفات و مشخصات از پدیده های طبیعی هستند که در نهاد انسان بوجود میآید و زنان و مردان هر یک سهم مخصوص خود را از آنها پیدا می کنند ولی نکته مهم و قابل توجه اینجاست که با توجه و آموزش و تمرین می توان این صفات را در وجود پسران و دختران تقویت کرده ، آنها را در آینده بصورت مرد یا زن کامل تحویل جامعه داد .